

الگوی هزینه‌ای خانوار یک پیش‌نیاز برای اعطای کالبرگ

بر اساس طرح مصوب مجلس مقرر شده به ۶۰ میلیون نفر پژوهشگر اقتصادی

میلیارد تومانی کوپن الکترونیک کالاهای اساسی اعطا شود. جدای از اینکه موافقان و مخالفان طرح چه می‌گویند، در این یادداشت با فرض اجرای کامل طرح، یک ضرورت را برای اجرای موثر این طرح یادآوری می‌کنیم. کوپن یا کالبرگ پانسنه‌ای است که همیشه اقتصادها به وقت کمبود روی آن می‌چرخند؛ چرخشی که برای ما ایرانی‌ها خاطراتی ۳۰ ساله پس از انقلاب را به همراه دارد. سیاستی که شروع آن در تمام دنیا چه در برنامه SNAP حال حاضر ایالات متحده و چه در برنامه توزیع غذا برای افراد محروم اتحادیه اروپا موسوم به MDP (از سال ۲۰۰۴)؛ برمی‌نماید ۱- کمبود کالا و درعین حال ۲- کاهش امکان تهیه آنها برای اقشار گسترده مردم خصوصاً دهک‌های پایین درآمدی طراحی و انجام شده است. جدای اینکه کارشناسان همیشه با پنج شاخص مطلوبیت اجتماعی، تورم، کارایی، رشد اقتصادی و رفاه اجتماعی پیچ‌های این سیاست را باز و بسته کرده‌اند، مساله کمبود کماکان مهم‌ترین چالش در این طرح هاست. درگذر زمان، کمبود در لایه پنهانی خویش اثرات به مراتب مخرب‌تری هم خواهد داشت، چرا که کمبود، نگرش جامعه را تغییر داده و آن را به‌سستی می‌برد که سایر موشون پراهمیت اقتصاد نیز به آن واکنش نشان می‌دهند.

از این و اعطای کالبرگ‌ها اگر در مسیر صحیحی تنظیم و پیاده‌سازی نشوند، باعث بروز مشکلاتی بزرگ‌تر در بلندمدت می‌شود که از جمله آنها می‌توان به تغییر عادات هزینه‌ای خانوار اشاره کرد. نمونه بارز آن تغییرات مربوط به مصرف برنج است، به‌طوری‌که در سال‌های اخیر، دولت تعرفه ۱۵۰ درصدی واردات این محصول را ۹۳ درصد کاهش داده و بعضاً تک‌رقمی نیز کرده است، چرا که به دلیل حجم بالای مصرف، وابستگی وارداتی آن گسترش یافته و عملاً قشر کثیری از مردم برای تامین این کالای مصرفی، به‌نوع خارجی آن رجوع می‌کنند و در این حالت بازارسازی قیمت‌ها نیز به‌دست واردکننده و به نرخ دلار نوسان خواهد داشت که مشکل را دوچندان می‌سازد. مطابق اعلام وزارت صمت آمار و ارقام موجود نشانگر آن است که در سال‌های اخیر سرانه مصرف سسالانه برنج به ۴۲ کیلوگرم رسیده است. این درحالی است که اولین سال‌های پیروزی انقلاب اسلامی، مصرف سرانه این کالا (با احتساب مناطق شمالی کشور با نسبت مصرفی بسیار بالاتر) حدود ۱۵ تا ۲۰ کیلوگرم در سال بوده است. این مهم به آن معنی است که چیزی حدود ۳۵۰۰ تن کسری روزانه تولید وجود دارد و به‌طور مختلف و کیفیت‌های پایین‌تر از برنج ایرانی وارد کشور شده و طبعاً در شرایط تحریمی بیش از پیش با مشکلات ارزی همراه خواهد بود.

دقیقاً قسه از آنجا شروع شد که برنج کالایی استراتژیک نام گرفت، درحالی‌که در سال‌های قبل از اجرای طرح کوپن خانوار، قوت غالب -جز در نواحی شمال کشور- برنج نبود و جز هفته‌ای یک یا دو وعده بیشتر توسط مردم سایر استان‌ها مصرف نمی‌شد. اگرچه ساخت و توزیع اقتصادی آزاد باید به گونه‌ای باشد که سبب مصرفی و حداقل یکسانی را برای افراد مردم فراهم آورد، با این حال اینکه کالایی مانند برنج برخلاف سنت و طلی یک سیاست‌گذاری اشتباه، ذائقه‌ها را تغییر دهد و قوت غالب جامعه شود، نشانه خطایی راهبردی است. اینکه کوپن برنج ۲۷ کیلوگی در دوره نهم اجرا (۱۳۷۲-۱۳۶۹) فقط در مناطق شهری عرضه می‌شود و در دوره دهم آن (۱۳۷۷-۱۳۷۲) به مناطق روستایی نیز رسیده -آن هم با مقدار ۶ کیلو بیشتر- موبد این موضوع است که رابطه صحیحی؛ چه در بعد زمانی و چه بعد مکانی اجزای نشده است. در تمام این سال‌ها ذائقه ایرانی‌ها به‌طور مدام به‌سخت مصرف بیشتر برنج سوق داده شده است.

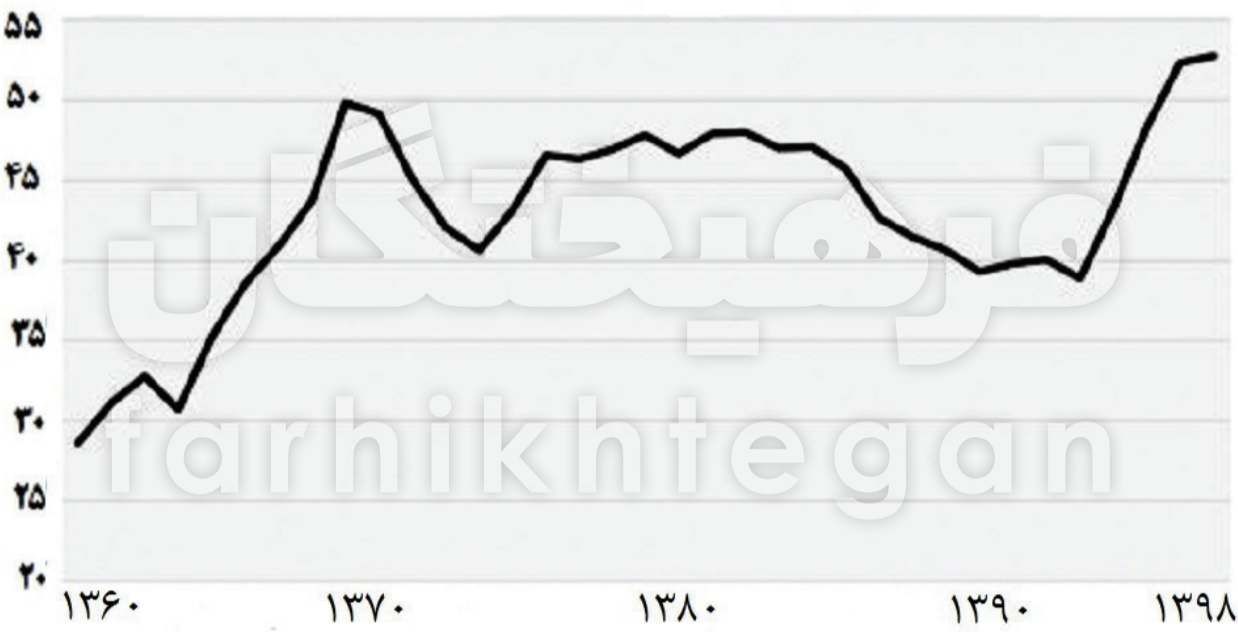
درحالی‌که در شرایط عادی، خانوار چنین چیزی را نه به‌علت قیمت که به‌خاطر خواست آزاده‌اند و سنتی خویش، درخواست نمی‌کرد. بر این اساس اگر تغییر اقلیمی، مقداری و قیمتی سبب هزینه‌های غذایی خانوار در سال‌های بعد را در کنار هزینه‌تأمین و توزیع برنج به‌صورت دولتی بیارویم و در نظر بگیریم، هزینه این تصمیم به‌مراتب بیش از چیزی است که قابل بیان باشد. این درحالی است که ادامه‌تأمین آن در حال حاضر توسط مکانیسم بازار آزاد نیز مستلزم واردات، خروج ارز و هزینه‌های جاری دیگری خواهد بود. چنانکه با گرانی ۸۰ درصدی برنج وارداتی در تابستان سال جاری به نسبت سال طی تصمیم دولت در عدم تخصیص ارز دولتی به این کالا مواجه شدیم و بر این اساس شاهد حضور کالای گران‌تری با کیفیتی به‌مراتب پایین‌تر از برنج ایرانی بوده‌ایم که به‌طور کل از سبب غذایی بسیاری از دهک‌های پایین حذف شد و این اتفاق مخاطرات فراوان اجتماعی، اقتصادی و امنیتی را برای جامعه و خانوار به‌همراه خواهد داشت.

چرا که عادت‌های مصرفی به‌سادگی و بدون هزینه رفاهی و صرف زمان قابل چشم‌پوشی نیستند. گران‌تر از همه، رقابت این محصول در باشگاه کالاهای استراتژیک کشور است که تأمین ضریب خودکفایی بالا در آن، هزینه‌های مختلف کارشناسی را به‌همراه دارد. درعین حال بر اساس مطالعات تجربی و پزشکی، افزایش مصرف آن بدون توجه به ویژگی‌های زیستی اقوام مختلف نیز سبب بروز بیماری‌های مزمن شده و هزینه‌های درمانی بسیاری را به سیستم بهداشتی کشور تحمیل کرده است. با در نظرگیری این مشکلات، در میان هزینه‌های روزافزون و خارج از حساب این تصمیم‌گیری در سالیان پیش، امید می‌رود در کنار لزوم اجرای سیاست‌های رفاهی عدالت‌محور در شرایط سخت اقتصادی، در مقام عمل، با در نظر گرفتن تفاوت عمیق در رفتار اقتصادی و هزینه‌ای مردم استان‌های مختلف (در بحث تنوع، ترکیب و مقدار کالاهای مصرفی و ایضا روابط جانشینی یا مکملی میان آنها) اقدامات مطالعاتی و پایشی مناسبی را، قبل از عملیاتی شدن موضوع اعطای کالبرگ، حتی به قیمت طولانی شدن مقدمات آن شاهد باشیم، چرا که یک‌ده آباد به از صد شهر خراب. »

اقتصاد غیررسمی شامل سه بخش اقتصاد ثبت نشده، غیر قانونی و پنهان در سال‌های اخیر رشد فزاینده‌ای داشته است

افزایش ۳۰ درصدی اقتصاد غیررسمی در دولت روحانی

اندازه اقتصاد غیررسمی نسبت به تولید ناخالص داخلی ایران (درصد)



بر اساس آمارهای ارائه‌شده از سوی مرکز پژوهش‌های مجلس ۲۵ میلیون نفر در بنگاه‌های کوچک و بزرگ مشغول فعالیت بوده که حدود ۱۴ میلیون نفر از آنها بدون پوشش بیمه‌ای و مشغول در بخش اقتصاد غیررسمی هستند. از طرفی مشارکت اقتصادی مردان و زنان در سن کار نیز (۱۵ سال و بالاتر) چیزی حدود ۴۰ درصد از کل جمعیت واجد شرایط است. همه اینها گواهی است از بالا بودن تولید غیررسمی کشور که بر اساس برآورد صورت گرفته است. همچنین در مطالعه موسسه پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی ریاست جمهوری نیز چیزی حدود ۲۲ درصد از تولید ناخالص داخلی کشور مربوط به تولید غیررسمی است. این مقیاس با توجه به افزایش تحریم‌ها، رکود، افزایش سه‌میلیونی نیروی کار غیرفعال به ارقام بالاتری نیز رسیده است. اما در مورد قاچاق کالا به دلایل بالا بودن آن نیز تا به حال مطالب زیادی منتشر شده است. در یک بررسی کلی به‌دلیل بالا بودن محدودیت‌های تجاری، افزایش نرخ ارز و کمبود کیفیت برخی کالاهای داخلی تقاضای واردات کالای قاچاق و همچنین صادرات آن بسیار بالاست. به‌رغم فعالیت ۱۶ ساله ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز، رقم قابل استناد و دقیقی از حجم قاچاق کالا به کشور وجود ندارد. برای مثال درحالی‌که ستاد مبارزه با قاچاق کالا ادعا می‌کند میزان قاچاق کالا از ۲۵ میلیارد دلار در سال ۹۲ به ۱۰ میلیارد دلار در پایان سال ۹۷ رسیده است، اما آمارهای بین‌المللی و اظهارات مجلسی‌ها و اصناف این میزان را بیش از ۲۰ میلیارد دلار برآورد می‌کنند. این آمارها زمانی قابل‌تأمل می‌شود که تنها تا ۱۰ درصد قاچاق کالا به کشور کشف و ضبط می‌شوند و حتی گفته می‌شود میزان کشفیات از این مقدار نیز کمتر است. بر اساس برآوردهای صورت گرفته اندازه قاچاق به نسبت تولید ناخالص داخلی کشور به حدود ۱۵ درصد رسیده است که احتمالاً با تداوم التهاب بازار ارز و همچنین افزایش محدودیت‌های تجاری و... به ارقام بالاتر نیز دست پیدا کرده است.

۵۳ درصد اقتصاد کشور در بخش غیررسمی

پس از موارد گفته شده، مهم‌ترین سوالی که ایجاد می‌شود؛ حجم کل فعالیت‌های غیررسمی کشور و میزان آن نسبت به تولید ناخالص داخلی کشور است. تخمین‌های صورت گرفته نشان می‌دهد حجم کل فعالیت‌های غیررسمی که شامل؛ موارد غیرقانونی، موارد غیربثبتی، موارد پنهان تولید و قاچاق است، در سال‌های اخیر به ۵۳ درصد از تولید ناخالص داخلی کشور رسیده است. البته این به این معنی نیست که فعالیت‌های اقتصادی در بخش غیررسمی در محاسبات تولید ناخالص داخلی به شمار نمی‌آیند بلکه به دلیل برآوردی بودن تولید ناخالص داخلی کشور که در سال پیش حدود ۳۴۰۰ هزار میلیارد تومان بوده، قطعاً بخش بزرگی از آن محاسبه شده است. اهمیت بالا بودن میزان حجم اقتصاد غیررسمی از جانب پیگیری مالیاتی، بیمه‌ای و... این مشاغل است. البته اندازه قاچاق و بازار مواد مخدر و مشروبات الکلی به هیچ‌وجه امکان پیوستن به اقتصاد رسمی را نداشته اما می‌توان دیگر موارد غیررسمی را به رسمی تبدیل کرد و از امکانات مالیاتی، بیمه‌ای و نیروی کار آن حمایت کرد. به‌طور قطع افزایش حجم اقتصاد غیررسمی که حاصل بیکاری، تورم، کود، تحریم و... بوده با کوچک‌تر شدن به بهبود اشتغال، بهبود سطح دستمزدها، رفاه اقتصادی خانوارها و در نهایت رشد اقتصادی کمک خواهد کرد.

جمعیت غیرفعال کشور (جمعیتی که به هر دلیلی مثل ناامید شدن از یافتن شغل) از جمله دلایل سوق بسیاری از افراد به چنین شغل‌های کوچک، خانوادگی و خویشاوندی بوده است. بر اساس آخرین داده‌های ارائه‌شده از سوی مرکز آمار نرخ بیکاری با ثبت رقم ۹/۸ درصد هرچند کاهش دو درصدی را نسبت به دو سال پیش تجربه کرده اما این کاهش صرفاً به دلیل کاهش نیروی کار فعال به دنبال شغل بوده است، چرا که بر اساس آمارها جمعیت غیرفعال کشور با رشد دومیلیون و ۷۰۰ هزار نفری به حدود ۳۶ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر رسیده است. در واقع عدم‌انگیزه و علاقه به یافتن شغل بین ۲۷ میلیون ایرانی که سن آنها بالاتر از ۱۵ سال و مناسب کار است باعث شده قشر عظیمی از آنها در اقتصاد غیررسمی که یکی از ابعاد آن اقتصاد غیربثبتی است مشغول فعالیت باشند. بر اساس برآوردهای صورت گرفته نسبت تولیدات غیربثبتی در مقایسه با تولیدات رسمی (تولید ناخالص داخلی) در سال ۹۳ حدود ۱۲ درصد بوده است. نسبتی که در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته کمتر از دو تا سه درصد است. البته به دلیل وجود تحریم‌ها و رکود اقتصادی و به تبع آن کاهش تقاضای نیروی کار از سوی اقتصاد غیررسمی احتمالاً عجیب نباشد که این نسبت در سال ۱۳۹۸ به رقم ۱۳ نیز رسیده باشد. نسبت ۱۳ درصدی اقتصاد غیربثبتی به تولید ناخالص داخلی به این معناست که ۴۳۵ هزار میلیارد تومان تولید کالا و خدمات در این بخش صورت گرفته است. این درحالی است که تولید رسمی کالا و خدمات به قیمت بازار در کشور در سال ۹۸ حدود ۳۴۰ هزار میلیارد بوده است.

۳۷ درصد اقتصاد کشور پنهان است

گفته شد برخی فعالیت‌ها کاملاً مشابه فعالیت‌های رسمی هستند اما با انگیزه‌های اقتصادی از چشم دولت پنهان نگه داشته می‌شوند. این فعالیت‌ها که «اقتصاد پنهان» نام‌گذاری می‌شوند در سه بخش تولید، تجارت و بازار پول وجود دارند. اقتصاد پنهان در تولید همان بنگاه‌های تولید کالا و خدماتی هستند که برای طفره رفتن از مسائل مالیاتی و بیمه‌ای کارکنان خود مشغول به فعالیت غیررسمی هستند، اقتصاد پنهان در تجارت نیز به چیزی جز «قاچاق کالا و خدمات» اشاره ندارد و از طرفی اقتصاد پنهان در پول نیز به فعالیت‌های اقتصادی گفته می‌شود که در بازار پول و بانک کشور اتفاق افتاده اما بدون نظارت سیستم بانکداری و سرمایه‌ای کشور است. برای بررسی دقیق‌تر اقتصاد پنهان کشور هرکدام از بخش‌ها را به صورت مجزا بررسی می‌کنیم. اقتصاد غیررسمی و رسمی با یکدیگر در جذب نیروی کار رقابت داشته و در نهایت اگر نیروی کار توان جذب در اقتصاد غیررسمی را نداشته باشد، مجبور به فعالیت در بخش غیررسمی می‌شود. در این بخش تمامی قوانین زیرنظر کارفرما بوده و تمامی نیروی کار و کارگران بدون بیمه و البته دریافت حداقل دستمزدهای وزارت کار در حال فعالیت هستند. بار مالیاتی فراوان، هزینه‌های رسمی شدن فعالیت‌ها، بیکاری، کاهش مشارکت اقتصادی، رکود و... همه از دلایل افزایش اقتصاد پنهان در بخش تولید هستند.

علل و انگیزه‌های شکل‌گیری بخش «غیررسمی اقتصاد» را موارد؛ قوانین پیچیده دولتی تا تأخیر در بروکراسی اداری فعالیت‌های اقتصادی، بیکاری، دور زدن مالیات، محدودیت‌های تجاری و... دانست و از طرفی تبعات آن راه کاهش تولید، مصرف انرژی، افزایش تقاضا و قیمت در بازار ارز و گسترش رشوه و رانت‌خواری در دستگاه‌های دولتی و خصوصی عنوان کرد.

۴ درصد اقتصاد کشور غیرقانونی است

همان‌طور که گفته شد اقتصاد غیرقانونی یکی از ابعاد اقتصاد غیررسمی است و به فعالیت‌هایی گفته می‌شود که بر اساس قانون غیرمجاز هستند. در واقع به آن بخش از اقتصاد که مشغول تولید و توزیع کالا و خدمات غیرقانونی مانند مواد مخدر، مشروبات الکلی و... است اقتصاد غیرقانونی یا اقتصاد جرم گفته می‌شود. علل و انگیزه‌های مجرمان این بخش‌ها ریشه‌های اقتصادی و اجتماعی مفصلی دارد که در این گزارش نمی‌گنجد و تبعات آن چیزی جز افزایش بیکاری، طلاق، اعتیاد، سرقت و... نبوده است. چندی پیش در گزارشی که از صداوسیما پخش می‌شد، فاصله اقدام به تهیه مواد مخدر و مشروبات الکلی تا دسترسی پیدا کردن به آنها را تنها چند دقیقه عنوان می‌کرد که حاکی از میزان گسترش این بخش در اقتصاد ما جامعه کشور ماست. برای برآورد و تخمین دقیق‌تر اقتصاد غیرقانونی در کشور ما بهتر است میزان کالاها و خدمات تولیدشده در این بخش را با کل کالا و خدمات تولیدشده در کشور (تولید ناخالص داخلی) مقایسه کنیم. بر اساس مطالعه صورت‌گرفته توسط موسسه آموزش و مدیریت و برنامه‌ریزی ریاست جمهوری اقتصاد غیرقانونی چیزی حدود چهار درصد از کل تولیدات کشور است، رقمی که در سال‌های قبل از دهه هفتاد پایین‌تر از دو درصد بوده است. شواهد نشان می‌دهد افزایش جمعیت جوان ایران در دو دهه اخیر و همچنین افزایش بیکاری و کاهش رفاه خانوارها به واسطه تورم‌های پیش آمده و از طرفی افزایش روزافزون تولیدات مواد مخدر در افغانستان و سهولت انتقال آن به ایران دلایل کافی برای افزایش این نسبت بوده باشند. این نسبت همچنین نشان می‌دهد بخشی از نقدینگی و پول کشور در بخش‌های غیرقانونی سرگردان است.

۴۳۵ هزار میلیارد تومان در اقتصاد کشور ثبت نمی‌شود

دومین طبقه‌بندی از اقتصاد غیررسمی به فعالیت‌هایی مربوط می‌شود که ماهیت قانونی دارند اما به دلیل کوچکی مقیاس یا توسعه‌نیافتگی از دید و کنترل دولت مخفی مانده‌اند. این نوع از کالا و خدمات که با عنوان «اقتصاد غیربثبتی» شناخته می‌شود فعالیت‌هایی مانند؛ دستفروشی، مسافربری با وسیله نقلیه شخصی یا کار زنان خانه‌دار و... را شامل می‌شود. کسب و کار خانوادگی و خویشاوندی کوچکی که عمدتاً در روستاها و شهرهای کوچک رونق دارد نیز از همین دسته محسوب شده که در محاسبات رسمی وارد نمی‌شود. البته بیکاری و افزایش روزافزون



مرتضی عبدالحسینی

روزنامه‌نگار

بر اساس آمارهای ارائه‌شده از سوی مرکز پژوهش‌های مجلس طی سال‌های اخیر به‌طور میانگین ۲۵ میلیون نفر در بنگاه‌های کوچک و بزرگ کشور مشغول فعالیت بوده‌اند که حدود ۶۰ درصد از آنها بدون پوشش بیمه‌ای در بخش غیررسمی مشغول فعالیت هستند. بخش غیررسمی اقتصاد که در اذهان عموم تنها به نام قاچاق شناخته می‌شود خود شامل سه زیربخش اقتصاد غیرقانونی، اقتصاد غیربثبتی و اقتصاد پنهان بوده که بخش بزرگی از جمعیت غیرفعال و بدون بیمه کشور را در خود جای داده است. گسترش اقتصاد غیررسمی علاوه‌بر داشتن علل و انگیزه‌های متفاوت برای ایجاد، از آنجا که خارج از چتر سیستم مالیاتی کشور بوده و از آنجا که خارج از نظارت نهاد‌های رسمی است، تبعات مختلفی نیز برای تولید ملی دارد. در واقع اقتصاد غیررسمی برای در امان ماندن از دستگاه‌های نظارتی، مالیاتی، بیمه‌ای و... مجبور به تعامل با آنها و یا مخفی شدن از آنهاست. بر اساس تخمین‌های صورت‌گرفته موشون پژوهش و برنامه‌ریزی ریاست جمهوری؛ حجم کل فعالیت‌های غیررسمی که شامل موارد غیرقانونی، موارد غیربثبتی، موارد پنهان تولید و قاچاق است، در سال‌های اخیر به ۵۳ درصد از تولید ناخالص داخلی کشور رسیده است. گسترش این فعالیت‌ها به کاهش درآمدهای مالیاتی کشور، عدم بیمه نیروی کار و کاهش سطح رفاه و دستمزدها منجر خواهد شد.

اقتصاد غیررسمی تنها قاچاق نیست

اقتصاد غیررسمی تعاریف گسترده‌ای دارد اما در اقتصاد کشور، اذهان عمومی یا حتی کارشناسی با مواجه شدن با این بخش از اقتصاد عمدتاً قاچاق و علل و تبعات آن را تداعی می‌کنند. این درحالی است که باید توجه داشت اقتصاد غیررسمی، فعالیت‌های اقتصادی گوناگونی را در برمی‌گیرد که به دلایل و با انگیزه‌های مختلفی صورت می‌گیرد. بنابراین تلاش برای تعریف گسترده‌ای از اقتصاد غیررسمی با توجه به ساختار قانونی و متفاوت هر اقتصادی بیهوده به نظر رسیده و دسته‌بندی یا تقسیم‌بندی فعالیت‌های این بخش است که می‌تواند مضمثر باشد. یکی از متداول‌ترین تقسیم‌بندی‌های اقتصاد غیررسمی را موسسه آمار ملی ایتالیا (ISTAT) با تقسیم این بخش به فعالیت‌های غیرقانونی مانند تولید و توزیع مواد مخدر، تولیدات غیربثبتی مانند دستفروشی و اقتصاد پنهان ارائه می‌دهد. دسته سوم که ظاهراً از لحاظ جزئیات قانونی و متفاوت هر اقتصادی گسترده‌تر از دو دسته دیگر است، شباهت‌هایی با فعالیت‌های رسمی دارد اما با انگیزه‌هایی چون؛ دور زدن دولت و قوانین او و... پنهان مانده است. در یک دسته‌بندی خودمانی می‌توان اقتصاد پنهان را؛ در تولید، تجارت و بازار پول و سرمایه تعریف کرد. مورد اول شامل بنگاه‌های تولید کالا و خدماتی است که برای دور زدن مالیات و دیگر هزینه‌های قانونی بنگاهداری خود را از چشم دولت پنهان داشته‌اند، این بنگاه‌ها که نمونه‌های عینی آن به‌طور در اقتصاد کشور دیده می‌شود همان بنگاه‌هایی هستند که حقوق و دستمزدهای نیروی کار خود را سلیقه‌ای و البته ناچیز پرداخت کرده و خبری از بیمه و دیگر مزایای کارگری هم نیست. بسیاری از بنگاه‌های کوچک، رستوران‌ها، کارگاه‌های تعمیراتی و... نمونه‌هایی هستند که در زندگی روزمره خود با بسیاری از آنها برخورد دارید. اما اقتصاد پنهان در تجارت همان دسته مورد نظر اذهان عمومی یعنی «قاچاق» کالاست. این مورد به دلیل وجود قوانین گمرکی یا تحریم و... رو به گسترش است به‌طوری‌که مثلاً گفته می‌شود به دلیل ممنوع بودن صادرات دام، روزانه چند صد هزار دام از طریق قاچاق در مرزهای غرب کشور به عراق ارسال می‌شوند.

۴ انگیزه و آسیب برای اقتصاد غیررسمی

اقتصاد غیررسمی زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند و به یک معضل بزرگ در اقتصاد تبدیل می‌شود که گردش پول آن روزبه‌روز بالاتر می‌رود. مثلاً رئیس سابق اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی در اظهارنظری برآورد کرده بود میزان قاچاق کالا در سال ۹۷ چیزی حدود ۱۰ میلیارد دلار بوده است، با توجه به اینکه پول به دست آمده از این محل خیلی سخت به اقتصاد رسمی جذب می‌شود، می‌توان از سرگردانی آن پول‌ها در بازارهای ارز و دلالی هر کالای دیگری صحبت کرد. البته معضل اقتصادی تنها ناشی از اقتصاد در سایه یا قاچاق نیست بلکه هر سه دسته‌بندی ارائه‌شده از اقتصاد غیررسمی عاملی برای افزایش «رانت‌خواری و رشوه‌خواری» است. همه‌فعالان این بخش‌ها برای در امان ماندن از دولت و نیروهای نظارتی و... یا مجبور به شریک کردن آنها (رانت) یا ناچاراً راضی کردن آنها (رشوه) خواهند شد. به‌طور خلاصه می‌توان